

دارند که با اعتقاد ما این عمل در بست در خدمت ساواک و ضد انقلاب است و پس زمانیکه جنبش دانشجویی ما میباید نقش مهم خود را خیزش توده ها ایفا کند و نیروی خود را در دامن زدن و متشکل کردن مبارزان خلقان بکاربرد دست عدای کاسیکار و ندانم کار میباید تا شکافی بس خطرناک در میان جنبش دانشجویی در این ماسان باز کند.

آن عد از شارلاتانهایی که بزرگ است روز کارگر را یعنی روز بزرگداشت مبارزترین "مستضعفین" جهان را با خنده و تمسخر آمیز در برابر دیگر دانشجویان شرکت کننده در این تکرارها برقرار کردند.

آن عد از کسانیکه ابتدا دعوت دیگر مبارزین را به هم آوایی با سایر دانشجویان و استادان دگر دانشگاهها و وطنان را در تحریم کلاسها خیلی مؤذیانانه بر سر سوال کشیدند و نهایتاً به برآمدن آنکه هم از این طریقه و دعوت میگویند است؟ چرا نگفتند از کی تا کی تعطیل کنیم؟ چرا اسم زیرینش ندارد؟ چرا پلی کیب شده است؟ ... و بعد که نمایندگان شورای اتحاد آکبیر دیواری میزنند که از این به بعد هیچ اعلامیه ای به این روشن شیخارهای ایشان از جانب "صفا خلق" تلقی نخواهد شد! و سرانجام ریزهای ۲۵ و ۲۶ اردیبهشت منعقد تمامی در خدمت رژیم گذشتند. اولاً چون همان شبهای آن که ایشان موزونه مینگران را به سینه میزنند و کاسیکارانه ادعای طلیق مالکیت خون آنها را روی پوستنرها و شیخارها نشان میکنند و می ننگد داشته و بکلاس رفتند و همانروز سالیوسایه در یکی از دانشگاهها هله بنزد یکی از مقامات آموزشی دانشگاه رفته و رد پلانه عدم شرکت خود را در مبارزه اعلام کرد و روز بعد هم با کمال وقاحت آکبیر زدند که ما هم دانشجویان مسلحان "بکلاس خواهیم رفت".

ما از این عد سوال داریم که: آقایان این لقب براکییها در خدمت کیست؟ این جواب ای چرخ جنبش گذاشته و این مبدل خود کردن صفوف خلق بنفع چه کسانی تمام میشود؟ در خدمت و بنفع رژیم طاغوتی است یا بنفع "مستضعفین"؟

آقایان شما دارید بخش عظیمی از بازوهای جنبش توده ها را با این نوع کاسیکاریها از بیگونی جدا میکنید. آینده این شکافیانداختنها در میان صفوف خلق کاملاً روشن است و بر خلاف آنچه که ادعا می کنید بنده تنها در خدمت "جهاد" شما نیست. بلکه اختلاف این خواست محقق رضا شاه و امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم امپریالیستیها و کار اندازان بومی آنان یعنی کجسته مرکزی حزب شود. قامت بلی آقایان، این لقب براکییها و آب بنده اسباب تفرقه و تباخ و رختنهای به ملاحظه نماند. صفوف خلق در روزی هم **ختم میشود** و آنهم در زمانی که رژیم پوشیده و محقر رضاشاه در آستانه سقوط خود قرار گرفته است. تا گاو هتلم امریکا و تینگدان خیره در زبانی امیرکا همراه ما در واحده نیروی زمینی در کالیفرنیا از آنطرف صبر می کشند به ایران را میکنند و از اینطرف "داشتن ۱۸۰ کیلو متر مرز مشترک و امن" بهانه خاصی برای مداخله تزارهای نویسن

گر خلیجای ایران نتوانند بیرون بدهی خود را هرچه بیشتر با هم مستحکمتر نکنند و صفوف خود را هر چه بیشتر بهم بگردانند و در اختفای بی شکوه و بطونیکاره چه برای یکبار و برای همیشه این سنگان دست امین جهانخواران را بر زمین ننگند و حکومت ملی دموکراتیک و خلقی را بنا نهند. آزادی و استقلال ایران را به دست آنهاست میباید که تاریخ جنبشهای ۷۰ سال اخیر ما تا درت از آنها میبایست عبرت گرفته باشند. ماضیاً اعلام میکنیم که این ششکات ایجاد کردن در صفوف خلق و لجن پراکشیها بر علیه مبارزین بطور واضحی تا بدین کاسیکاریهاست شما صورت میگیرد و سرانجامی جز تضحیف دیگر جنبش و ابقاء این رژیم دست نشانده و دخالت امپریالیستیها در بدترین وضع چیزی کمتر نخواهد داد.

ما در اینجا لازم میدانیم که یکبار دیگر برقایی خود تذکر دهیم که این وظیفه دموکراتیک و بیدونی و شرط کلیه مارکسیست-لنینیستاست که در خدمت و پشتیبانی مبارزات توده های در کلیه سطوح باشند. تاریخی که اصول ما با این اضرافات بخشدانی از جنبش شده در چهارچوب ضوابط تشکیلی داخلی خود در مبارزات دموکراتیک توده ها را که جنبش دانشجویی بخشی از آن است) به آن بده و بیرون بریم. مبارزات آزادی ایران و جهان را با سر بلند تمام پیشاپیش این خیزش بحرکت در خواستیم آورد.

بنابر این جنبش دانشجویی خود از طیف وسیعی تشکیل میشود که در تیفای نمایندگان همان جنبشهای طبقاتی جامعه با سنگین های ویژه خود که در اینجا نیز با صفوف گوناگون خلقی کیفیت و خواسته های خود را با توجه به خصیصهای ذکر شده به همسان طرح یافته اولی حفظ میکنند. ناگفته روشن است که از جاعین هم بنوع خود جانی متصفین خود را در صف ضد خلق دارند (نمایندگان دانشجویان در حزب سوسیالیست و دیگر فعالان دولتی و رضا خیزی در دانشگاه م. در آنجا نیز در حزب سوسیالیست و دیگر نمایندگان آنها میتوان خوانده های عناصر مبارزان و ترقی خلق که امروزه دانشجویان هستند و با خطر اینکه همه در دانشگاهها میباشند یکسان باشند) - خیر بنده خود و آقایان باینترتیب جنبش دانشجویی میتوان در کل خود از یک آید تلوونی خاص و تا شیوه مبارزه یک قشریه یک طریقه و با یک سازمان معینی و با یک گروه مشخص تعیین نماید - جستجو روشن است که بعلمت ما هیئت بافت ناهمگون خود نمیتواند چنین باشد. لذا جنبش دانشجویی جنبش است دموکراتیک و دگر بر گردیده نمایندگان همه اقشار و طبقات تدریج خلقی را در بر میگیرد.

ریا امین مقدمه باز میگردیم به آنچه گوییم: مبارزات توده ها همان در این قطع و نامرئسی بحرانی و مردودیت ساز و انگا آن در میان جنبش دانشجویی و وطنان در این مسافران این بر همه دستماندگار (امروزی روشن است که هر نوع مبارزات توده های دانشجویی همواره از طرف کلیه دانشجویان مبارزان آید تلوونیهای علمی و غیره اند. حتی بنوعی نامرئس کمیسر بلنینیستیها ما را اینجا که اصول بنیادینشان الگو گویند تا نام کاسیکاریهای دگرگون نشود. بدین طریقه و شرط تخریفات این خیزشها بگونه میباشند و وجه نسی که در این مبارزات متغییر میباشند و تعیین کننده هر مبارزات هستند. حال که مبارزات توده ها هر لحظه به نقطه تعیین کننده خود نزدیک میشوند. شاگهان عدای با بدی کاملاً کاسیکارانه و با بازارگرایی مذبحانه خود سعی در برانگیدن این جنبشها میگردند در این دانشگاه

شرایط مورد نظر اینان با شرایط جمیل شده از سوی رژیم استبدادی و فاشیستی حاکم و با توجه به خواسته های ناشی از پایه های طبقاتی و توان خود در این مبارزات سر کبکرم مانند، اینان هیچ کسانتی هستند - اینان طیف ناهمگونی از کسب و تبارهای نسی را شامل میشوند که در مقابل انحصارات دولتی و کاسیکاریه شدن امور و اوقات و اختصای مبارزات در دست دولت و کجایه بودن دستشان از منابع بیکرانی که از جنبش خلقی بنوعی میباشند چاکه میروند. همگی به واسطه رژیم و احیاناً در صریح تزلزل کنانیده و شده اند. نمایان عملیست کارمندان و اقارای هستند که حقوق ثابت دریافت کرده و نتوانسته و نمیتوانند با بنای گرانمن ناشی از تورم ما محتاج خود و خانواده های شان را تعیین نمایند. با ابقای روشنگران امیرالی هستند که سنگینی بار دیکتاتوری و خفقان تحاکم بر اطرافشان را به برکت آگاهیشان در چه بطور عینی و چه بطور ذهنی (احساس کرده) و خواستار جویی هستند که بتوانند حداقل حقوق اجتماعی و موجودیت خود را در از امور مربوط به خود حفظ نمایند. نکته قابل توجه اینست که هلکی ایشان در تولید کالا نقش مستقیم نداشته و بیرومایه شان چیزی جز نیروی بازویشان است و همگی با کمی تفاوت وضع از بالا گرفتن مبارزه تا بنده تنها آمیزش هزاران داشته و همواره تزلزل مایه خود را در دست یازیدن به شوم و شدت مبارزه بر علیه رژیم نشان میدهند. تا اولین خشک زدنهای رژیم بازویشان است شده و در جریان راه خود را به امان رژیم میاندازند (رجوع کنید به گفتارهای اتحاد نیروهای جبهه ملی "در صدای ملی ایران" و هم قبایشان. آنان در بدو داخل کشور و در دانشگاهها در شصت و نهم خرد های تهر آمیز توده ها به بانکها و دیگر های اقتصادی و دیگر نمایندگان ارتجاع و امپریالیسم و ترزهای ایشان اندر حقایق نظا هرات صلح آمیز و حق طلبانه است.)

ریاها سوال کلیدی و بیرون بده به بخش نسی از این مبارزه در اینجا مطرح میشود که در این میان نقش دانشجویان مبارزان و کاسیکاریه جنبش دانشجویی چگونه توصیف میشود؟ آیا دانشجویان یک صف هستند؟ آیا جنبش دانشجویی مشکل از عناصر مبارزان با خواسته های یکسان است؟ آیا جنبش دانشجویی نماینده گروه سازمان و یا آید تلوونی یکسان و مشخص است؟ اساساً دانشجویان و جنبش دانشجویی آنچه تمام تعالی هستند از اقشار و طبقات تشکیل دهنده همان جامعه که در محدوده دانشگاهها و تزارها تشکیل شده و سر حقیقت همان قشر هستند و طبقه بندی مادری و اولیه خود را حفظ نمایند. ولیکن دانشجویان از حیثیت اجتماعی هم برخوردار میباشند. اول اینکه دانشجویان در تولید کالا نقشی نداشته و در عین حال خود صاحب سرمایه هم نیستند. دوم اینکه بعلمت شرایط خاص که از نظر تشریحی به آگاهی و رشد استثنائی در علوم پیدا میکنند حمایت زیادی در قبالت تحقیقات کل جامعه از خود نشان میدهند. ریشتر بگویم در دانشجویان نمیتواند تنگ باشد چون در آن برهه زمانی (در دوران دانشجویی) نقش تولیدی در آن جامعه ندارند. از آنجا که از شرایط خاص برخوردار است و از پایه های طبقاتی مختلفی میباشند که این بار آگاهی علمی و طبقاتی هم جاشی آن یارهای طبقاتی شده تحاضیت زیادی در قبالت مادری خود که همان جامعه اصلی باشد نشان میدهند. اما یک نکته را هم باید اضافه کرد که در دانشجویان یک خط را هم بعلمت دسترس می باشد و دانش و آگاهی اجتماعی از خود مستتر دارد و اینهم اختیار دانشجویان در انتخاب سمت گیری طبقاتی است. این بدان معنی است که هرگز یک خانواده تفرقه و یا بیعمر فرقه در بریندو شغلخت جامعه و بزرگ روانند. با لکنی بنین بدیده های اجتماعی و قانونی موجود در آن عالم و جامعه را با یک سنگینی انقلابی قبول طریقه کرد و پیشرو زمکشان و رنجبران آن جامعه جهت گیری می نماید و در خدمت بر آوردن اهداف و آمال طبقاتی "دین و مایه" آن اجتماع بر میاید. و با بالعکس اگر از جنبشهای طبقاتی متزلزل میانی باشد و در عین حال از این شناخت و درک دیا لکتیکی بدیده ها برخوردار مورد قانونی جامعه دور و عاجز بماند و با این شیوه خردی به ارتقاء طبقاتی خود نرسد. کرده و با بکارت بدیده عقب ماندن از محمل طبقاتی خود نیز دور میشود. چنانکه واژه مبارزه بدوران رسیدن در توصیف اینگونه افراد بکار میبرند و این سنگینی میتواند بعد اجتماعی خود نیز برسد. بطوریکه خواست به ارتقاء طبقه به سطح میرسد که باید برای رسیدن به سطح "بزرگانان" در دست بدامن همان فنا بدبران شده و در خدمت آمال و اهداف آنان در آمدن.

بنابر این جنبش دانشجویی خود از طیف وسیعی تشکیل میشود که در تیفای نمایندگان همان جنبشهای طبقاتی جامعه با سنگین های ویژه خود که در اینجا نیز با صفوف گوناگون خلقی کیفیت و خواسته های خود را با توجه به خصیصهای ذکر شده به همسان طرح یافته اولی حفظ میکنند. ناگفته روشن است که از جاعین هم بنوع خود جانی متصفین خود را در صف ضد خلق دارند (نمایندگان دانشجویان در حزب سوسیالیست و دیگر فعالان دولتی و رضا خیزی در دانشگاه م. در آنجا نیز در حزب سوسیالیست و دیگر نمایندگان آنها میتوان خوانده های عناصر مبارزان و ترقی خلق که امروزه دانشجویان هستند و با خطر اینکه همه در دانشگاهها میباشند یکسان باشند) - خیر بنده خود و آقایان باینترتیب جنبش دانشجویی میتوان در کل خود از یک آید تلوونی خاص و تا شیوه مبارزه یک قشریه یک طریقه و با یک سازمان معینی و با یک گروه مشخص تعیین نماید - جستجو روشن است که بعلمت ما هیئت بافت ناهمگون خود نمیتواند چنین باشد. لذا جنبش دانشجویی جنبش است دموکراتیک و دگر بر گردیده نمایندگان همه اقشار و طبقات تدریج خلقی را در بر میگیرد.

ریا امین مقدمه باز میگردیم به آنچه گوییم: مبارزات توده ها همان در این قطع و نامرئسی بحرانی و مردودیت ساز و انگا آن در میان جنبش دانشجویی و وطنان در این مسافران این بر همه دستماندگار (امروزی روشن است که هر نوع مبارزات توده های دانشجویی همواره از طرف کلیه دانشجویان مبارزان آید تلوونیهای علمی و غیره اند. حتی بنوعی نامرئس کمیسر بلنینیستیها ما را اینجا که اصول بنیادینشان الگو گویند تا نام کاسیکاریهای دگرگون نشود. بدین طریقه و شرط تخریفات این خیزشها بگونه میباشند و وجه نسی که در این مبارزات متغییر میباشند و تعیین کننده هر مبارزات هستند. حال که مبارزات توده ها هر لحظه به نقطه تعیین کننده خود نزدیک میشوند. شاگهان عدای با بدی کاملاً کاسیکارانه و با بازارگرایی مذبحانه خود سعی در برانگیدن این جنبشها میگردند در این دانشگاه

حل آنها تمیضی . باند تبهکار پهلوی اگر بعد از توطئه ضد مردمی " انقلاب سفید " در دوران بعد از ۱۴ توانست مسکمی بر تضاد های درونی خویش بیاید و حتی قادر شود اصلاح طلبان امروزی را نیز کج خانه شان بفرستد ، تا بعد از آن بتواند جنبش توده های زحمتکشان ما را سرکوب کند . در سال ۱۳۵۶ با دو زمین توطئه خود که این بار " حزب رستاخیز " بود نتوانست به خواست خود گشوده شود . نتایج آن :

۱- انتقال بحران عمومی جهان امپریالیستی بدین ایران ، نه تنها تأثیراتش را بر شرایط داخلی رنجبران جامعه گذاشت ، زمینه حادث شدن تضاد های درونی طبقات خان که را نیز گردید . بنام " موزر پهلوی " در راه حفظ سرکردگی خود در درون طبقات حاکمه و عمدتاً برای سرکوب جنبش مردمی " رستاخیز " شاه امپریالیسم امریکا را علم کرد . محمدرضا شاه جلالت به خیال خود می خواست از یک طرف با طغی کردن ساواک ، بسط و گسترش آن در نظام ابعاد جامعه ، اختناق خود را به عالی ترین شکل به مرحله عمل در آورد ، و از طرف دیگر بخشهای دیگر هیئت حاکمه را زیر چتر خود بگرد حزب رستاخیز جمع کند . اما خارج از تقابل ذهن کورن شاه و امپریالیسم تضاد های طبقاتی نه بزمینای خواستهای آنان بلکه بر مبنای واقعیات جامعه یعنی استبداد و ظلم موجود و وابستگی جامعه به امپریالیسم حرکت خود ادامه می دهد . بر همین مبنای خود که این برخلاف برنامه " انقلاب سفید " ، " حزب رستاخیز " نه تنها نتوانست سدی جلوی مبارزه اش رستاخیز باشد ، و زحمتکشان جامعه گردید بلکه بر تضاد های درونی ارتجاع حاکم ایران نیز شدت بخشید .

امروز اگر به اوضاع جامعه تیز نگری می بینیم " انقلاب سفید " در هفتاد ما را به خاک سپاه کشانید و در زیر آفتاب آرزوهای شهرها نمود زحمتکشان رنگارنگ شما و بی در درون روستاها آخرین قطره خون روستائیان را کشید . بنام ملی شدن آب و هوا ، استعمار آن به شدت ولت انان و بطور کلی زحمتکشان روستایی ما از منت سزای این " انقلاب " سیه روی و سینه روئین شدند .

طرح سود ویژه نه تنها کارگران را صاحب سودی نکرد ، بنام سود ویژه کارگران استعمار ویژه شدند . طرح طبقه بندی مشاغل نیز توطئه دیگری بود در راه دزدیدن آخرین قطره شیره جان کارگران و بحق مبارزات بحق طلبانه کارگران مفت مسکمی بسوی بر تعالی این توطئه ها .

غرض از بورژوازی شهری بنام مبارزه با گرانروشی به ورطه نابودی کشانید و هند و هزاران خرده تولید کننده را از خلق بنام همین مسئله ممر زندگیشان بسته کرد پس تا شرکت های امپریالیستی نتوانند با نشان دادن آنان بر احتیاج بحال های خود را در شرکت های تعاونی و فریگاه کوروش بفروش رسانند . بورژوازی ملی و تجار نیز با بایز شدن درهای گمرکات کشور بر روی سرمایه ازان دلال امپریالیسم دچار تنگنا شده و از طرف دیگر از شدت دیکتاتوری نیز به سرسود افتاده و نمایندگان خود را به مبارزه علیه رژیم فرستادند و بنگاه مفهوم دیگر خلق توان سرکردن در زیر سلطه این خود مترا قرار دادند . و بدین ترتیب امروز یک بحران انقلابی بر جامعه حاکم گردید به معنی : نه تنها دیگر حکومت کنندگان (طبقات حاکمه) محلت تضاد های درونی خود هم چون گذشته قادر به حکومت بر مردم هستند و نه حکومت شوندگان (مردم) توان زندگی در زیر سلطه این حکومت را دارند .

حال با توجه به چنین ویژه کی در دوران کنونی انقلاب از ما چه می طلبد : هم چنانکه در قبیل گفته شد با جدت پابست تضاد های طبقاتی در عرصه جامعه نیروی تازه (هر چند ناچیز) وارد مبارزه طبقاتی گردید . بورژوازی ملی که تا جندی پیش سکوت اختیار کرده بود در اوضاع کنونی بیایدگان سیاسی خود را به میدان مبارزه علیه خود سری های رژیم فرستاد و برنامه سیاسی خویش را برای مقابله با رژیم عرضه کرد . ورود چنین نیروی از دیدگاه طبقه کارگر ایران امری است مثبت چون تا جندی پیش تنها آ بود که یک تاز مبارزه علیه خود کامگی های ارتجاع ایران بود و این نیرو می تواند در امر پیشبرد انقلاب مفید واقع شود . اما طبقه کارگر فراموش نمی کند که بورژوازی ملی هرگاه تم به مبارزه طبقاتی کند اشته هیراه خود نه دیوکراتیسم انقلابی بلکه لیبرالیسم تبلیغ نموده است . طبقه کارگر ایران ضمن اینکه از مبارزه و خواستهای بورژوازی ملی بر علیه رژیم خود کاه پهلوی دفاع می کند اما نه تنها حاضر نیست خود به زیر پلانتورم آید ، رفته این اجازه را هم نخواهد داد که لیبرالها مجموعه جنبش مردم را به زیر بال و چتر خود قرار دهد و آنرا وسیقه خواستهای اصلاح طلبانه خود در راه مباحثات با رژیم کند ، طبقه کارگر ایران و بطور کلی زحمتکشان میهن ما هیچ گاه سلیقه رهبری بورژوازی ملی را از خاطر نبرد ه اند . امروز رنجبران میهن ما بیاید می آورند که چطور در جنبش سالهای ۱۳۳۲ - ۱۳۲۰ وقتی به ناحق رهبری آنان بدست بورژوازی افتاد چگونه قادر رنگریدند (بنا به خصیلت طبقاتی شان) از این بتانسیل و توان توده ای مردم در راه سرنگونی رژیم پهلوی استفاده نکنند ، آن روزها لیبرالها مردم را با به زینشعار عقب مانده " شاه باید سلطنت کند نه حکومت " بردند و در نهایت امر دیده شد کسسه چطور این حکومت بود که سلطنت کرد و آن هم همراه با قتل و غارت . رنجبران ما بیاید می آورند که بعد از شکست آن پلانتورم سازشکارانه جنبه ملی اول و حزب توده و مبارزه در سالهای ۱۳۴۲ - ۱۳۳۹ بحلت ضعف جنبش انقلابی رهبری بچند داد بدست همان لیبرالها افتاد و دیده شد چه بورژوازی انقلابی توده مردم آوردند . مردم ایران فزاید موش نمی کنند که در همان سالهای ۴۲ - ۳۹ چطور آنان را زیر شمار عقب مانده تشر اصلاحات آری دیکتاتوری نه " بروند و در عمل انقلاب سفید امپریالیسم امریکا را بنام اصلاحات خوانندند و از آن پشتیبانی کردند و تنها کله لیبرالها می از حکومت این بود که شدت دیکتاتوری زیاد است . آنروز ها تاسف آور و فراموش نشدنی است که لیبرالهای کنونی ۱۰۰ هزار نفر را در میدان جلایه تهران جمع کردند و بحث شان با مردم این بود که چگونه باید به یار رفتی . در هر حال نتیجه آنگونه مبارزه ملی در بار تجربه در نناک دیده شد و بدستی روشن گردید تنها راه مقابله به سازش و گردن فتن اضیاز از این حکومت و یا کم شدن درجه دیکتاتوری آن بلکه در سرنگون کردن آن بدست یازبان برتوان کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان شهری است .

۱- اوضاع کنونی و روش نمایندگان سیاسی بورژوازی ملی به عرصه مبارزه اجتماعی این

خطر برای جنبش توده های مردم را دارد که بتواند جنبش را به زیر رهبری رژیم مستقری رفته و وسیله ای برای به و دستگیری رژیم مستقری بورژوازی ملی و ارتجاع گردید . گرچه ویژگی دوران کنونی این است که توده های مردم با در رعیت و عمل خسوسر بجه درک سرنگونی رژیم رسید بایند . اما یاز ویژگی دیگر اوضاع کنونی نیز این می باشد کسه هنوز در دوران جنبش توده های مردم آن قطب بندی لازم صورت نیده برقرار است بدین معنی که معمولاً در زمانهایی که توده های مردم م قدم به مبارزه طبقاتی می گذارند ، در ورائش لازم است که بتوانند رهبر خود را از درون دیکم لیبرالیسم و دیوکراتیسم انقلابی انتخاب کنند . اگر در این دورانها که فواصل بین خیزش های توده های است دیوکراتیسم تیمم انقلابی قادر رنگرد خط انقلابی خویش را برای مردم تبلیغ کند و قطب بندی بسوی مشی انقلابی صورت نیده برد ، این امکان وجود دارد که لیبرالها بتوانند خط رژیم مستقری خود را در میان مردم تبلیغ کرد و آنان را در زیر سلطه آید فیلیوتیک خود بگردانند . در دوران کنونی نیز چنین دوراتی است و لیبرالها با اشکال مبارزه طبقی شان و امکانات وسیعتر شان این امکان را دارند که ساد و تر مشی رژیم مستقری خود را تبلیغ نمایند . امروز لیبرالها در مقابل سوا لها و خواستهای مردم بلا تعزم و برنامه اصلاح طلبانه خویش را جلو می گذارند . کله انقلابیون نیز باید در مقابل همان سوا لها طرح شده تیز جواب خود را معیار جعل بگذارند . توده های مردم به جنبشهای می ریزند ، اجساد و نظاهرات راه می اندازند و بدین عمل کینه و تنفر خویش را در راه سرنگون کردن حکومت پهلوی اعلام می کنند . رژیم تیره بند ان پهلوی در نشانده بر روی مردم اصلاحه می کند و جوش خون را به این اندازند ، توده های مردم در مقابل این مسائل سوال دارند و می خواهند بداند این مقابل این تقابل و جنایت رژیم چه باید کرد .

۲- در ووع پاسخ به این سوال باید میروند ، یا بلخ اول متعلق به لیبرالهاست یعنی کونیند ای مردم شما به خیابان رفتید نظاهرات کردید و رژیم مسلحانه زوی شما اصلاحه کشید و تضایی راه انداخت بهترین راه این است که از این به بعد در خانه تسمان بنشینید و یا شاید بعداً در نظاهرات های آرام خود بخوابید . ما به پارلمان رفتیم و حق شما را از این طریق بگیریم و یاید می گویند بهتر است کار را از طریق قانونی بپوشن برد و بهترین قانون هم قانون انامونی ایران و کار در همین چهارچوب انبش . پاسخ ما که انقلابیون باید به مردم بدهند این است که باید بگویند ای مردم شما به خیابان رفتید نظاهرات حق طلبانه خود را کردید و رژیم تراز نشانده زوی شما اصلاحه کشید و خون راه انداخت پس بهترین راه این است که شما هم مسلح شوید و انقلاب مسلحانه توده های در راه سرنگون کردن رژیم مغزور پهلوی به مرحله عمل در آورید پس پاسخ مسلح شوید است . انقلابیون پاسخی دیگر نیز باید داشته باشند و باید به توده زحمتکش بگویند اساسی و متمم آن که در دوران مشروطیت ریخته شد محصول یک انقلاب تمام و کمال نبود قانون اساسی محصول نایگوری و سازش بورژوازی ملی آن دوران با تودالها و خانها بود و شاه بند قانون اساسی هم سلطنت شاه خواهد بود . در این قانون اساسی حتی جدا از دستبر هائی که خاندان اشرار پهلوی بد این زیداند هیچ گونه حق و حقوقی نریز بد هقانان ایران یعنی نزدیک به ۶۰ درصد از مردم ایرد ان قائل نشده است .

طبقه کارگر ایران و در راس آنان نمایندگان سیاسی اش باید برای مردم سوه های انقلاب را که بعد از پیروزی بدست خواهد آید تبلیغ کنند تا توده های شرکت کنند در مبارزه امکان یابند خویش را در عهد از انقلاب در یابند . خواستهای کسه انقلابیون و در راس آن طبقه کارگر و نمایندگان با توجه به مرحله کنونی انقلاب یعنی انقلاب دیوکراتیک است باید جلویگد آوند ، بشرح زیر است :

۱- ما و دیگر زحمتکشان نه خواهان قانون اساسی مشروطه بلکه خواهان آن قانونی هستیم که بعد از سرنگونی این رژیم توسط خود مردم زحمتکش ریخته شد و منافع واقعی آنان را در برداشته باشد .

۲- ما و دیگر زحمتکشان خواهان شرکت در مجلس شور و سنا نیوید بلکه بعد از سرنگونی این رژیم خواهان تاسیس مجلس موسسان بود و تا قوانین واقعی خود مان را به طرح ریزی نماید .

۳- ما و دیگر زحمتکشان خواهان تشکیل حکومت موقت انقلابی در راه پیشبرد انقلاب هستیم .

۴- برای طبقه کارگر ایران در بعد از انقلاب تشکیل شوراهای کارگری برای نظارت بر امور کارخانه ها ، روزی ۸ ساعت کار ، بداشتن حق اختصا برای دفاع از منافع و حقوق خود .

۵- برای دهقانان ایران بعد از پیروزی انقلاب تاسیس شوراهای دهقانی کسه بوسیله این شوراه اصلاحات ارضی و تقسیم زمین به مفهوم واقعی اش .

۶- برای همه مردم ایران : آزادی اجاعات ، آزادی بیان و مطبوعات و آزادی نظا هرات ، آزادی حمل اسلحه برای حفظ و جراست از دستاوردهای انقلاب .

بعد از سرنگونی رژیم باید :

۱- تمام ۴۰ هزار مستشاران و جاسوسان امریکایی و سایر مستشاران بیگله گوشان را از ایران کم کنند و تمام پایگاههای امپریالیسم امریکا از ایران برچیده شود .

۲- تمام جنایتکاران دوران ۵۰ ساله حکومت اشرار پهلوی باید به مجازات زات جنایات خود برسند و در برابر آن دیار پهلوی به عنوان کانون تمام توطئه چینی ها .

۳- ارتش ایران باید از عمان خارج شود و کله جنایتکاران جنگ تجاویز کارانه عمان به مجازات خود برسند .

پیروزی باد انقلاب مسلحانه توده ای خلق
 زنده باد استقلال و دیوکراتیسم برای ایران
 پیروز باد اتحاد انقلابی خلق
 سرنگون باد رژیم مغزور پهلوی ، مرگ بر امپریالیسم امریکا
 ننگ و نفرت بر کتفه مرکزی حزب توده و نوگر فارسی امپریالیسم شوروی

(ریشه های جنبش)

بایسته بساط همبستگی خلقهای ایران در راه تشکیل جمهوری خلقی وطن ما را
 کجا بکشیم؟ جیتان در انجمنیو پیروز است،

برگزینی قهر امیرزیم جلال و وابسته به امیرالیسم را تدارک سینه
 قویای برگ برشده زند، بنیاد آزادی شاهرا بر امیرالیسم امریکا سازسا ایران را
 به لرزه در آورده است. مردم ایران همه بکشمه نخواهان نابدی خاندان اشترار و
 یوکر صفت بلهلو. وگرنه انتقام از تمامی جنایتکاران داخلی و خارجی می باشد.
 رژیمی که فزاید آزاد بخوشی را با گلوله پاسخ می دهد و از کشتار مردم معاصم
 بر می آید از افعال او آست که بحق را شمشیر در خون عشق کرد.

اینکه که خلق مبارز ایران طاعت بوسیده بود لای رژیم متغیر راه دریافت و حال
 در موکراتیسم انقلابی بیگانه خلد را در عمل نشان داد شاه و اریاتان امیرالیسم
 این خطر را احساس نموده نفعی بر آن کرده اند تا به هر روشی که ممکن است
 جنبش را در پیروان برآورد کنند. با تقویت کابینه امیرالیسم امریکا و جنگ رتدیزنی اش می
 خواهند گوشه چشمی به سازشکاران و آنان که همیشه در تاریخ نقش و شاکلی را ایفا
 نموده اند نشان دهند. این وظیفه نیروهای انقلابی پیشرو و آگاه است که در موکراتیسم
 انقلابی بیگری را پیش از پیش اشاعه داده و لنیرالیسم سازشکار را افشا و طرد کنند.
 آن عناصر فرصت طلب و سازشکاری که مد بخاوش می گویند تا به اصطلاح به توده های
 خلق و نیروهای انقلابی بان و چنین وانمود کنند که در صورت تعدیل هائی سطحی
 در رویارویی رژیم حاکم مثلا تعدیل خود کلاکی هیئت حاکمه و انجام اصلاحاتی از قبیل
 جد و تعدیل سازمان امنیت، اصلاح حزب فاشیستی رستاخیز و اصلاح احزاب اپوزیسیون
 و بی تفاوتی مطالبات و موکراتیسم خلقهای تحت ستار ایران را تحقق بخشند. این
 بلای موکراتیسم معلوم و نه حتی یک موکراتیسم فاشیستی بلکه لیتراستهای گریه نظریه کیف
 و فلسفه نیستند که شایده هیچ تجربه سیاسی و تاریخی دیگری قادر به اصلاح آنها
 نباشد. آری با خند و تشنگی فعالیت سازمان فاشیستی امتداد فقر و گرسنگی و ناشایسته
 نیهای اجتماعی و اقتصادی از جامعه برشته کن خواهند شد؟ آیا با لغو حزب فاشیستی
 رستاخیز نیازهای مردمی در حقیقت مستح ایران تامین میگردد؟

در پی پندهائی چنین ساواک، حزب فاشیستی رستاخیز و حتی استبداد و حکومت
 مطلقه شاه محصول نظام سرمایه داری وابسته ایران می باشد (توضیح اینکه نظام
 حاکم در ایران را سرمایه داری وابسته نمی گویند یعنی نوعی از روابط تولیدی در ایران
 برقرار است که امیرالیسم در مجموع و در تمام آنها امیرالیسم امریکا در جهت تامین
 احتیاجات و نیازهای اقتصادی وابسته به و سلفه گروهی از سرمایه داران داخلی هستند
 وابسته به آنها هستند و بنای آنها بهمیکننده است است تا از اج و غشستر
 خلقهای مازد بانه به عبارت دیگر سرمایه های کلان امریکائی، انگلیسی و
 با همکاری سرمایه های داخلی تمام شریکهای اقتصادی مملکت را مانند نفت معص و
 سایر منابع استخراجی در اختیار خود گرفته اند. این امر به نفع و منفعه
 در مقابل این طبقه حاکمه وابسته که اقلیت جامعه را تشکیل می دهند و سینه
 همکاری امیرالیسم ثروت مملکت را غارت می کنند. طبقات غیر حاکم مانند کارگران،
 دهقانان، پیشه وران و یاربان معلمان و کارمندان قرار دارند که تحت ستار
 ابتدائی ترین وسائل زندگی نیز محرومند. این طبقات اکثریت جمعیت مملکت مارا تشکیل
 میدهند.

بنابرین برای رسیدن به یک آزادی و دموکراسی واقعی تنها در برهه مبارزه
 فاطمانه بین رجمانه یا ضد انقلاب و سرانجام یک تسویه حساب نهی آمیز و خونین
 تا رژیم مزبور و وابسته شاه و کله امیرالیسم بتواند به پیروزی رسد. به بن نابودی
 کامل پیروزی وابسته نمیتوان به دموکراسی واقعی رسید. اما امیرالیسم سازشکار
 آزادی را از رژیم وابسته خبر آزادی که ای میکند. در موکراتیسم ایران از لیرالهاست
 که آزادی انتخابات و دموکراسی را در جارجوب قانون اساسی تبلیغ میکنند. میروند
 که ام قانون اساسی (قانون اساسی در جارجوب این نظام سلطنتی با قانون اساسی
 در جارجوب جمهوری انقلابی و دموکراتیک توده های رجمتکتن ۲ انتخابات آزاد
 یک مجلس واقعی حکمائی و واقع فوهمان با جزای یک مجلس فرمایشی و دست نشانده
 امیرالیسم اگر امیرالیسم دموکراسی است دموکراسی جنم بند و مزحمت پیروزی وابسته
 همانان و سلفه سرمایه داران خارجی و غارتگر زمین الملقن اجازه تاراج منابع شعرت
 خلقهای تحت ستار ایران را بدند. یک دموکراسی واقعی که تنها با برود رشت زمین
 نیروهای خلق یعنی کارگران، دهقانان و سایر رجمتکتن تامین گردد و دست قارت
 بگران داخلی و خارجی را کوتاه کند. آزادی و قانون اساسی به این سترگونی این
 رژیم وابسته بدین استوار جمهوری دموکراتیک و انقلابی خلق آزادی و دموکراسی
 نیست. این وظیفه ماست که لنیرالیسم سازشکار را که میخواهد سینه خود را
 و صرفا مبارزه با رویهای رژیم میاشد افشا و طرد کند. لنیرالیسمی که به امید الظاف
 ملوکانه شاه و اریابان امیرالیسم و میخاوشد با کسب و زهری مبارزات انقلابی خلق
 طلبانه توده های رجمتکتن و نظام استبدادی حاکم را اوداره عقب نشینی ساختند
 و نیهای از طریق زد و بنزد و کارآراندن آنان جنبش انقلابی را وسیله معامله و آرضه
 ایمال فرصت طلبانه و بیعت طلبانه خود قرار دادند.

مردم ایران خواهان انقلابند و این انقلاب را نه مانورهای عوامفریبانه شاه و نه
 بیباختجای نقلی عام او نه توسطه های کارشناسان امریکائی هیچکدام قادر به جلو
 گیری آن نیستند. کیست که دفتر ننگی زندگی این اهریضار را از بر نکرده باشد؟
 مگر نه اینکه سالبانه شاه جان خلیل را به دل از صرف خریدن اسلحه از امریکا
 و خریدن اسلحه های که از بابت همین خریدها شاه و دیگر اعضای پاند قاجاق بلهلو
 از شرکت اسلحه سازی لیکاید نهترویی گرفتند همانند تمام و خام نیست. آری خلق ما
 آگاه است و نفع تلاش مستقیم بسوی برادر بلهلو بود. آری بده و دزدان آن شاه
 میاشد. خلق ما بصیرت انتقام گرفتن از کسانی میکند که هستی مملکت را در دستهای
 بیگانگان ریخته اند. مشت های گروه کرده خلق بنثار کسان خواهند شد که باعث شد

حاجتدین خلیق و حکومت نظامی
 رژیم خاش و سرسپرده بلهلو لرزان تر از همشده در مقابل پرورش همه جانبه خلیق
 فرار گرفته است. تمام تبلیقات رژیم در باره سیاست آشتی ملی زودتر از آنچه فکر
 میکرد متواضعند. تظاهرات یکباره مردم در هفته های گذشته و سخت و سوب این
 مبارزات طریقه خواست عادی که سعی میکردند تحت لوای کار در جارجوب قانون
 اساسی مبارزات مردم را از سخت و شوق اصلی اش سحر سازند مانند سلی خروشان
 میروند تا تاج و تخت شاهي را بر سر محمد رفاشا و حامیان داخلی و خارجی اش
 ویزان ستازد. اجرای حکومت نظامی و کشتار هزاران نفر از مردم بوسلحه اسلحه بدستان
 امریکائی یکبار دیگر نشان داد که رژیم فاشیستی استبدادی ضد رضاشاه چگونه

حاجتدین خلیق و حکومت نظامی
 رژیم خاش و سرسپرده بلهلو لرزان تر از همشده در مقابل پرورش همه جانبه خلیق
 فرار گرفته است. تمام تبلیقات رژیم در باره سیاست آشتی ملی زودتر از آنچه فکر
 میکرد متواضعند. تظاهرات یکباره مردم در هفته های گذشته و سخت و سوب این
 مبارزات طریقه خواست عادی که سعی میکردند تحت لوای کار در جارجوب قانون
 اساسی مبارزات مردم را از سخت و شوق اصلی اش سحر سازند مانند سلی خروشان
 میروند تا تاج و تخت شاهي را بر سر محمد رفاشا و حامیان داخلی و خارجی اش
 ویزان ستازد. اجرای حکومت نظامی و کشتار هزاران نفر از مردم بوسلحه اسلحه بدستان
 امریکائی یکبار دیگر نشان داد که رژیم فاشیستی استبدادی ضد رضاشاه چگونه

حاجتدین خلیق و حکومت نظامی
 رژیم خاش و سرسپرده بلهلو لرزان تر از همشده در مقابل پرورش همه جانبه خلیق
 فرار گرفته است. تمام تبلیقات رژیم در باره سیاست آشتی ملی زودتر از آنچه فکر
 میکرد متواضعند. تظاهرات یکباره مردم در هفته های گذشته و سخت و سوب این
 مبارزات طریقه خواست عادی که سعی میکردند تحت لوای کار در جارجوب قانون
 اساسی مبارزات مردم را از سخت و شوق اصلی اش سحر سازند مانند سلی خروشان
 میروند تا تاج و تخت شاهي را بر سر محمد رفاشا و حامیان داخلی و خارجی اش
 ویزان ستازد. اجرای حکومت نظامی و کشتار هزاران نفر از مردم بوسلحه اسلحه بدستان
 امریکائی یکبار دیگر نشان داد که رژیم فاشیستی استبدادی ضد رضاشاه چگونه

حاجتدین خلیق و حکومت نظامی
 رژیم خاش و سرسپرده بلهلو لرزان تر از همشده در مقابل پرورش همه جانبه خلیق
 فرار گرفته است. تمام تبلیقات رژیم در باره سیاست آشتی ملی زودتر از آنچه فکر
 میکرد متواضعند. تظاهرات یکباره مردم در هفته های گذشته و سخت و سوب این
 مبارزات طریقه خواست عادی که سعی میکردند تحت لوای کار در جارجوب قانون
 اساسی مبارزات مردم را از سخت و شوق اصلی اش سحر سازند مانند سلی خروشان
 میروند تا تاج و تخت شاهي را بر سر محمد رفاشا و حامیان داخلی و خارجی اش
 ویزان ستازد. اجرای حکومت نظامی و کشتار هزاران نفر از مردم بوسلحه اسلحه بدستان
 امریکائی یکبار دیگر نشان داد که رژیم فاشیستی استبدادی ضد رضاشاه چگونه

حاجتدین خلیق و حکومت نظامی
 رژیم خاش و سرسپرده بلهلو لرزان تر از همشده در مقابل پرورش همه جانبه خلیق
 فرار گرفته است. تمام تبلیقات رژیم در باره سیاست آشتی ملی زودتر از آنچه فکر
 میکرد متواضعند. تظاهرات یکباره مردم در هفته های گذشته و سخت و سوب این
 مبارزات طریقه خواست عادی که سعی میکردند تحت لوای کار در جارجوب قانون
 اساسی مبارزات مردم را از سخت و شوق اصلی اش سحر سازند مانند سلی خروشان
 میروند تا تاج و تخت شاهي را بر سر محمد رفاشا و حامیان داخلی و خارجی اش
 ویزان ستازد. اجرای حکومت نظامی و کشتار هزاران نفر از مردم بوسلحه اسلحه بدستان
 امریکائی یکبار دیگر نشان داد که رژیم فاشیستی استبدادی ضد رضاشاه چگونه

حاجتدین خلیق و حکومت نظامی
 رژیم خاش و سرسپرده بلهلو لرزان تر از همشده در مقابل پرورش همه جانبه خلیق
 فرار گرفته است. تمام تبلیقات رژیم در باره سیاست آشتی ملی زودتر از آنچه فکر
 میکرد متواضعند. تظاهرات یکباره مردم در هفته های گذشته و سخت و سوب این
 مبارزات طریقه خواست عادی که سعی میکردند تحت لوای کار در جارجوب قانون
 اساسی مبارزات مردم را از سخت و شوق اصلی اش سحر سازند مانند سلی خروشان
 میروند تا تاج و تخت شاهي را بر سر محمد رفاشا و حامیان داخلی و خارجی اش
 ویزان ستازد. اجرای حکومت نظامی و کشتار هزاران نفر از مردم بوسلحه اسلحه بدستان
 امریکائی یکبار دیگر نشان داد که رژیم فاشیستی استبدادی ضد رضاشاه چگونه

حاجتدین خلیق و حکومت نظامی
 رژیم خاش و سرسپرده بلهلو لرزان تر از همشده در مقابل پرورش همه جانبه خلیق
 فرار گرفته است. تمام تبلیقات رژیم در باره سیاست آشتی ملی زودتر از آنچه فکر
 میکرد متواضعند. تظاهرات یکباره مردم در هفته های گذشته و سخت و سوب این
 مبارزات طریقه خواست عادی که سعی میکردند تحت لوای کار در جارجوب قانون
 اساسی مبارزات مردم را از سخت و شوق اصلی اش سحر سازند مانند سلی خروشان
 میروند تا تاج و تخت شاهي را بر سر محمد رفاشا و حامیان داخلی و خارجی اش
 ویزان ستازد. اجرای حکومت نظامی و کشتار هزاران نفر از مردم بوسلحه اسلحه بدستان
 امریکائی یکبار دیگر نشان داد که رژیم فاشیستی استبدادی ضد رضاشاه چگونه

برای حفظ منافع ایرانیان امریکائیش حاضر به اجرای هرگونه سیاست و قتل و عام میباشند. رژیم جنایتکار و ننگر صفت پهلوی فکر میکند که با اجرای حکومت نظامی بدست شش ماه در تهران و بازنده شهر دیگر (اگر چه در اکثر شهرهای ایران عملاً حکومت نظامی برقرار است) میتواند از مبارزات مردم که به جهت آن سرنگونی سلطنت پهلوی میباشد جلوگیری بعمل آورد ولی نظرات قهرمانانه مردم ما در شرایطی بزرگوار میشود که دولت اعلام کرده که هرگونه اجتماع سیاسی با اجازه دولت باشد. و این نشان میدهد که چگونه مردم عزم خود را جزم کرده اند که تا سرنگونی رژیم وابسته و پهلوی و طمع کامل نفوذ امپریالیستها دست از مبارزه نکشند . " حکومت نظامی امروز تحت پوشش اینکه آزادی ایران به خطر افتاد و کشور در خطر است اجرا میشود . باین مرتجعین باید گفت از کدام آزادی و خطر سخن میگویند مردم ما در طول ۵ سال حکومت ننگین خاندان اشترار پهلوی جز استبداد و دیکتاتوری چیز دیگری ندیده اند ولی اگر از خطر افتادن آزادی صحبت میکنید که دیگر شعله نمیتوانید در جزیره ثبات آرامش هر چه در تان خواست بکنید باید بگوئیم آری این آزادی توسط زحمتکشان جامعه ما بخطر افتاده . مردم ما بیش از هفتاد سال است که در راه بدست آوردن آزادی و استقلال و دموکراسی خیزان شده اند . و خواهند داد و این را در مبارزات گذشته خود نشان داده اند . امروز نشان میدهند و فردا نیز نشان خواهند داد . ایران میبایست بدست زحمتکشان اداره شود . این قانون اساسی را زحمتکشان به ناله دادند خواهند ریخت و قانون اساسی خودشان را خواهند نوشت . شصت و شش هزار نفر از مردم ما همان است که میگویند " مرده باد حکومت پهلوی - رژیم پهلوی - حکومت توده ها " . مردم غیور و مبارز شاه خائن و دیکتاتور و دیگر مرتجعین زخم خود را از جنبش توده ها ، مشکل ترشده اند تمام مرتجعین در سرکوب خلق متحد نیز پیروزی ما در تکرر وحدت و صلح شدن ما میباشد . در رژیم خائن و خودکامه پهلوی با آگاهی کامل تبلیغات وسیعی را بر علیه کمیونست ها و رژیم و انقلاب می انجام میبخشند برای انداختن استقامت و یقین خود را از گفته امام خمینی اعلام میداریم (نظام شاهنشاهی باید و ازگونی شود از گفته های امام خمینی) . وحدت کمیونست ها ، مسلمانیان انقلابی در میدان مبارزه مشت محکمی است بر سر خائن مرتجعین . آری - و -

بسته بودن اقتصاد ایران به کشورهای بیگانه و انتقال بحران جهان بر مبادی ایران و تبدیل شدن ایران به سکوی پرش اقتصادی ، سیاسی و نظامی امریکا نقش ایران در سرکوب جنبش های آزادی بخش و بیلگه کلام هستی مملکت را در جهت منافع ایرانیان به تاراج دادن اقتصاد مملکت را ورشکسته کرده است . فشار این بحران بر دوش زحمتکشان میباشد . بستن مالیاتهای سنگین و هزاران نفر که دیگر ماهیت ضد کارگری و مردمی این رژیم خائن را نشان میدهند . کارگران مبارز را موج قد رتند اصحاب باج کارگری میروند که تمام عرصه جامعه را در برگیرد . اصحاب کارگران و کارمندان سایر شین سازی و تراکتور سازی ، تریلی و اجناس چندین هزار نفره کارگران در اجواز و جاده ها اصحاب کارگری در پیکر نشان میدهند که امروز طبقه کارگر قهرمان مستقلاً وارد صحنه مبارزه شده و این سمل خروشان است که باید به استقلالش رفت . حزب طبقه کارگر آن تشکیلات آهنینی است که خواهد توانست این سمل خروشان را در برگیرد و در پیشتاب پیش همه مردم در جهت سرنگونی حرکت کند . زنده باد حزب طبقه کارگر ایران

دولت پهلوی مرکز تمام توجه های ضد ملی را در مردم شکست داده است . کسب کار کمیونست ها و سوسیالیست ها را با پیشگاه آریاگران میندازد . دیگر برادران کارگر خود اصحاب و نظرات قهرمانانه یکپارچه و متحد خود را بر او اندازد مانند برادران تهریزی خود کارگر و کارمند دست از کار بکشید . با تخریب همه اندوختی از مبارزات گذشته اجازه ندهید رژیم خائن شاه در صفوف شما تفرقه اندازد . نمایندگان قلابی را طرد کنید . سندیکای قلابی کارگران را منحل بیاورید کما رکسر قهرمان میگوید : خواست ما صنفی نیست . خواست ما سیاسی و بزرگسختی در قهر مت باج و شلاق پهلوی از آریکه قدرت به یکک سایر زحمتکشان و تشکیل یک حکومت دموکراتیک برای همه مردم میباشد . تنها در قدرت طبقه کارگر میباشد که در رهبری سایر اقشار و طبقات دیگر در جهت تحقق این خواست حرکت کند و بین مردم برابریان یک چیز روشن است و آن اینکه برقراری دموکراسی و همچنین رها ساختن ایران از نقش شوینگ آکتون دست نشاندهگان امریکا در منطقه بازی میکنند و بهرین آوردن آن از عرصه رقابت های توسط گران بین المللی تنها با کوییدن رژیم شاه و سلطه امریکا بر ایران و با کوییدن و نابود ساختن هر دو امکان پذیر است . بر خرویش باج پرچم پرولتریای ایران - سرنگون باد رژیم وابسته و ارتجاعی پهلوی ، مبارزه مسلحانه توده های تنها راه رهائی خلق و مستحکم باد وحدت انقلابی خلق کارگر - دهقان - دانشجویان و اشتغال

دستی و با ایراد این شعار مردم را دعوت به مقابله و مقاومت میکند . بارها و بارها مشاهده کردیم . آنگاه که خود شاهد جریان بودیم . میباید بداند که در گذشته های گذشته با صدای بلند گریه می کشیدند و این را دیگر با شکست قابل عین شاه به یوانه وار می خندیدند و همین اظهاریه و لا ستیخیک نوا تویبیل خود را از آتش که برای خشتی کردن اشترگان اشترک آور افروخته بودند . بنیادیند . در نقطه ای مردم برای کشتن او که برچشم مسلط هشاشی را آتش میزدند یک میزبان و در نقطه دیگر در حالیکه جمعی را زور میزدند داشتند . یاغی بالله الا لله پس میگویند . میباید بداند و یادآوری و خین مرگ و بسوی جوانه های نوبت بخش زندگی آزاد که از لایزال شعله های سرخ فام آتش سر می آید همه جا بشام میرسد . نگاه به سینه های خنجر مدر نفوذ تشکیل میدهد . بعد از این چند شعار صرف بیهم میخورند و هر کس تنهایی شیه و خاندان هاش را در تمام عاملین این در بر صفتی را به نام بار نجش و ناضرا میگردند . شعارهای مردم صلح رشید و تنهنسا راه رهاهی جنگ مسلحانه است همه جا بگوش میرسد . اما که نوبتند جوانانی که در حالیکه از فرط ناراحتی میگریستند فریاد میزدند : " میگوئید صلح شویم پس اسلحه کجا میرویم راستی هم اگر در انجا صد اسلحه بود هزاران طلب جنگ پیدا میشود . اما اسلحه تشکیلات بود . نه رهبر بود . نه اسلحه و خلقی چنین بی سلاح غیرم تمام شجاعی افسانه وار در مقابل مسلسل و تانک و زرهیوش چه میتوانند بکنند ؟

در واقع فقط نه ماه پس از اولین تظاهرات خلق در راهبان ما که ۱۷ بهمن بود و مردم به درجهای از وسعت و شدت رسید که رژیم وابسته مجبور شد به حکومت نظامی یعنی این آخرین جریه رژیمهای وابسته متوسل شود و با این عمل در حقیقت بند و روشستکی خود را اخطاف نماید و روشته ها را بابت ناله ها و فریادهای مردم و فریاد های زحمتکشان رژیم بدست آورد .

رژیم بدست آورد و خنجر بی سلاح در هر طرف مردم را در پی یکسری زخمی و زخمی و احتیاجی طرح ریزی شده و بسویله سازمان مبارزه که شکل تشنه های قبلی جامعه را تا حدی تغییر میدهد . و موقتاً از شدت آنها میکاست و با همه سرگرد گشتن از امکانات تبلیغاتی وسیع و گسترده خود . و با برخورد آری از حمایت امپریالیسم فائق بین المللی یعنی امپریالیسم امپریکالیست و از روشها تبلیغاتی رشید او خلق بسویله اعمال سیاهترین و خفیانده ترین دیکتاتوریهای تاریخ بشر جلوگیری کند . یعنی داشت با استناد و از بزرگترین نقطه ضعف انقلابیون جهان که برتری آنها کوییدن و سازمان داریان خلق برای آزادی ملی می جنگیدند یعنی با استفاده از این روش آنها از مردم که خود را خدیوی ناشی از خفیان بیش از اندازه شرایطت یکناشوری بود . آنها را به عنوان خرابکار و دشمن مردم معرفی کنند .

نقد این رژیم بر سر شاهان ثروت بن باین خاشاک از غارت نفت این ثروت ملی و رونق بیچارگان و بیچارگان انقلاب و مملکت بدیده ارشده . کارگران ها با سرمایه اغلیو مالستین و شرکا و دات خلیشان از هر سو همچون قارچ بر سر آژون نشین میمانند و از دهقانان بر اثر فقر ناشی از گرانی و رقابت اجناس و محصولات خارج و نیز بعلت سیاستهای ارضی دولت طیما در جهت حمایت از سیستم سرمایه ازی وابسته و به زبان توده های عظیم دهقانان بود . ورشکست شده و برای بدست آوردن نان بخور و تعمیر بوسی شهرها و مزارع صنعتی اموزار و شاندا . تا شهری کار خود را با قیمت نازل در اختیار شما میسازد . در آن عین اتمام وابسته داخلی و خارجی بگذاردند . بدین ترتیب طبقه کارگر از طریق از لحاظ کمی سرعت رشد کرد . و بعنوان طبقه متوسط شهری با نفوذ جامعه در آن با طریقی دیگر بعلت مبارزات شان ملیونیونها در دهقان و روشنائی بداخل حقوق آن از لحاظ سطح آگاهی و از نظر کیفی با خرابی طبقه با لغفل انقلابی فاصله گرفت . کاسنگاران خود با و عوان بخش اخوان مصری بد نشان بالا گرفتند . شش طرف ناشی از افزایش و وابسته بدت سرعت رشد کرده و وجه توانی رسیدند . کارمندان دستگاهها بزرگداشتی و پیشتر بسبب خود ازان این جوان بیخواسمی سروده و بشکل یک عده در شرایطی رشد بکارگرفته اند . دانشند . از آنجا که سرمایه داران برای گرداندن بحریجات عظیم نخستین بزرگان درک بدنگیدگیهای ناشین . اشتیاج به افراد باسواد و متخصصان دارد . با گسترش دراز سالی و دانشگاهها (البته نه در سطحی که نتایجهای جامعه را از دست بکشند) و گسترش دانشگاهها و آموزشگاهها و دانشجویمان . نیز سرعت رشد کرده و گسترش یافت . اما این نیاز روشنی سرمایه داری دولت است . مستحق در داشت و بهرودی اولین اعلام یکی از بخرائینانی او از طریق سرملیداری و گالی از اخذاتهای خدائی نایب از سرمایه داری است . در سطح حمایتی بروز کرده . ماهیت وابسته رژیم را اجاب میکند که به پیشتر با ترویج ناشی از این بخزان بداروشن خلق زنده ایده او و زحمتکشان با بقیئت و گران روز افزون کلا ها که عسلت ناشی از وابستگی و اردائنی بودن آنها و ناشی از وابستگی اقتصادی و سیاسی رژیم ایران به امپریالیست های لیستهای خلق و اشام بین المللی است او یکطرفه را که هر دو آنگرفت و حواجر هنگشت تسلیماتی رژیم و انشاد زنده داد و دستگاه جزو و کراتیله از طریق بدنگیدگیها و از دست رفتن فشار روز افزونی بر کارگران و زحمتکشان و کارمندان . جزه و روشستکی هر چه بیشتر کاسنگاران و تولید کنندگان خود را نگردند . تنها آمد بدنگیدگی خفیان آژون روشنی ترو بلیسی بود که مانع بروز این نظرات میشد . می شناسید و به حدت و به حدت و به حدت

هموطن مبارز :
روز جمعه ۱۷ شهریور روز قتل عام خلق بی سلاح اما جان بر کف بوسیله مزدوران و سربازان ارتش ضد ملی شاه دیکتاتور بود . در این جمعه خوشی هزاران نفر از هموطنان زحمتکشان ما از زن و مرد ، کودکان ، عده های گوله های دانی که از دهانه تنگنا و مسلسل های امریکائی و آمریقای بیرون میآمد قرار گرفتند . در این روز خلق قهرمان ما یکبار دیگر آتش ناید بوی خود را با امپریالیستهای غارتگر و ننگران سرسبرده داد . خلیشان و نفرت عظیم و کینه پرشکو خود را نسبت به این جلادان خون آشام و باسن دشمنان بشریت ثابت کرد . آنها که در روز جمعه ۱۷ شهریور ناظر این کشتار وحشتناک بودند ، کسانی که در نقاط مختلف شرق و جنوب شرق تهران شاهد شجاعت انسانه و وارثه های رسیده مردم بودند ، منظره کشتاری را که با سینه بازها دست خالی با قلبی سرشار از کینه نسبت به اینهمه ظلم و ستم به استقبال رگبار گلوله و به پیشواز آتش و سرب داغ میرفتند ، کسانی را که در حالیکه گلوله مستحباتی از بد نشان را بکسی متلاشی کرده بود و در حالیکه آخرین دقایق حیات خود را میگذراندند ، با تکان دادن

* طرفداران اتحادیه کمیونستهای ایران * بخوانید و تکثیر کنید بد بکران به هید .
* * *
تکثیر از * متحدین خلق *
(۱۳)

و بحالت نه اشتن با یکدیگر مشورت نمودند. این امر با توجه به اینکه در آن زمان در تهران و سایر شهرها، روحیه مبارزه و جدوجهد در میان مردم رفته رفته گسترش یافته و مردم به آگاهی و بصیرت رسیده بودند. این امر باعث گردید که در آن زمان، مردم به آگاهی و بصیرت رسیده و به مبارزه با رژیم پهلوی برخیزند. در این زمینه، دکتر مصدق و سایر نمایندگان مجلس، نقش بسیار مهمی ایفا کردند. آن‌ها با استفاده از موازین اخلاقی و دینی، مردم را به مبارزه با رژیم پهلوی تشویق کردند. در این زمینه، دکتر مصدق و سایر نمایندگان مجلس، نقش بسیار مهمی ایفا کردند. آن‌ها با استفاده از موازین اخلاقی و دینی، مردم را به مبارزه با رژیم پهلوی تشویق کردند.

در این زمینه، دکتر مصدق و سایر نمایندگان مجلس، نقش بسیار مهمی ایفا کردند. آن‌ها با استفاده از موازین اخلاقی و دینی، مردم را به مبارزه با رژیم پهلوی تشویق کردند. در این زمینه، دکتر مصدق و سایر نمایندگان مجلس، نقش بسیار مهمی ایفا کردند. آن‌ها با استفاده از موازین اخلاقی و دینی، مردم را به مبارزه با رژیم پهلوی تشویق کردند.

در این زمینه، دکتر مصدق و سایر نمایندگان مجلس، نقش بسیار مهمی ایفا کردند. آن‌ها با استفاده از موازین اخلاقی و دینی، مردم را به مبارزه با رژیم پهلوی تشویق کردند. در این زمینه، دکتر مصدق و سایر نمایندگان مجلس، نقش بسیار مهمی ایفا کردند. آن‌ها با استفاده از موازین اخلاقی و دینی، مردم را به مبارزه با رژیم پهلوی تشویق کردند.

در این زمینه، دکتر مصدق و سایر نمایندگان مجلس، نقش بسیار مهمی ایفا کردند. آن‌ها با استفاده از موازین اخلاقی و دینی، مردم را به مبارزه با رژیم پهلوی تشویق کردند. در این زمینه، دکتر مصدق و سایر نمایندگان مجلس، نقش بسیار مهمی ایفا کردند. آن‌ها با استفاده از موازین اخلاقی و دینی، مردم را به مبارزه با رژیم پهلوی تشویق کردند.

توجه

به آدرس و حساب بانکی جدید ما توجه کنید!

آدرس پستی ما: P.O. BOX 8043, 42443, ANGERED, SWEDEN

حساب بانکی ما: I.P.S.C. PKBANKEN KONTONUM: 38822023700, SWEDEN

در این زمینه، دکتر مصدق و سایر نمایندگان مجلس، نقش بسیار مهمی ایفا کردند. آن‌ها با استفاده از موازین اخلاقی و دینی، مردم را به مبارزه با رژیم پهلوی تشویق کردند.

در این زمینه، دکتر مصدق و سایر نمایندگان مجلس، نقش بسیار مهمی ایفا کردند. آن‌ها با استفاده از موازین اخلاقی و دینی، مردم را به مبارزه با رژیم پهلوی تشویق کردند.

در این زمینه، دکتر مصدق و سایر نمایندگان مجلس، نقش بسیار مهمی ایفا کردند. آن‌ها با استفاده از موازین اخلاقی و دینی، مردم را به مبارزه با رژیم پهلوی تشویق کردند.

در این زمینه، دکتر مصدق و سایر نمایندگان مجلس، نقش بسیار مهمی ایفا کردند. آن‌ها با استفاده از موازین اخلاقی و دینی، مردم را به مبارزه با رژیم پهلوی تشویق کردند.